



# چشم‌های عاشورا، چشم‌بیداری اسلام

حامد عبداللہی

اشاره:

حکیم متأله آیت‌الله عبدالله جوادی آملی که روزی سفیر بیداری از سوی عارف بزرگ قرن حضرت روح‌الله بود به سرزمین الحاد و عناد و بی‌خدایی: آنگاه که درباره بیداری اسلامی منطقه سخن می‌گوید، از عمق فطرت بشری خبر می‌دهد؛ چه این که کتاب خدا را تفسیر می‌کند. این نگاه است که وحی و سنت و عقل را به پشتیبانی گرفته و درایت و تعقل و تدقیق را به کار بسته است تا به مدد جام جهان‌بین عقل که دفینه پر ارج بشر است و پیامبران بدان رهنمون گشته‌اند، سیمای هدایت بشر این قرن را ترسیم کند. آن چه در پی می‌آید، پاره‌هایی است از بیانات معظم له که در رابطه با بیداری اسلامی در مناسبت‌های مختلف ایراد شده است.

### امام، آوارها را کنار زد و مردم را نجات داد

احیای تفکر دینی آن است که انسان بین دفینه و دفن شده فرق بگذارد. بین آنجا که گنجینه است و بین آنجا که گورستان است، فرق بگذارد. زمان جاهلیت عموماً و جاهلیت پهلوی خصوصاً، با تبلیغ سوء، همه مردم مخصوصاً نسل نو را در زیر آوارهای تمدن اصیل اسلامی به عنوان دفینه قرار دادند، حسینه‌ها و مراکز مذهبی را ویران کردند، نسل مسلمان را به عنوان دفینه زیر این خروارها آوار گرفتار کردند. رهبری انقلاب این خاک‌ها را کنار زد و مردم را زنده کرد و مردم را به حیات اصیل‌شان آشنا کرد، به تفکر دینی دعوت کرد؛ لذا خود علی (سلام الله علیه) می‌گوید من جزء محبی‌های دینم، من جزء کسانی‌ام که دین را زنده کرده‌اند. شرایط احیاگری هم بسیار سخت است. این تعلیم نیست، تدریس نیست، سخنرانی کردن نیست، کتاب نوشتن نیست؛ اینها دشوار هست، ولی اگر بخواهد رهبری انقلاب را به عهده بگیرد، باید خیلی از تهمت‌ها را تحمل کند. زنده‌کننده‌های دین شرایطی دارند و اوصافی دارند؛ اولین شرط این است که هر تهمتی را بپذیرند، هر ملامتی را تحمل بکنند و در راه خدا ملامت‌زده نشوند و ملامت‌زده هم نباشند. قهر کردن کار مردان حق نیست. انسان که آن جام جهان‌نما دارد؛ یعنی اثاره کرد، دفینه و گنجینه را پیدا کرد، معلوم می‌شود صاحب سرمایه است و همیشه خوشحال است. رهبران الهی این گنجینه را شکوفا کردند که انسان در عالم و آدم‌شناسی راه صحیح طی کند، هم از معدن‌شناسی و دریاشناسی تا آسمان‌شناسی و ستاره‌شناسی راه صحیح را طی کند.

### مسجد و قرآن و عترت، میدان انقلاب است

وجود مبارک امیرالمؤمنین فرمود انبیا آمدند «و يُثْبِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» یعنی آمدند این دفینه‌ها را اثاره کنند، بشوراندند با ثوره و

انقلاب مردم را دارای گنجینه کنند. این در اولین خطبه نهج البلاغه است. در بخش دیگری از خطبه‌های زرین نهج البلاغه، وقتی از اهل بیت (علیهم الصلوٰة و علیهم السلام) یاد می‌کند، می‌فرماید اهل بیت «مُسْتَنَارِ الْعِلْمِ» هستند. شما می‌بینید انقلاب با یک نفر و دو نفر ممکن نیست. جمعیت زیاد لازم است. وقتی جمعیت زیاد بود، میدان وسیع طلب می‌کند. انقلاب بدون میدان انقلاب و میدان‌دار انقلاب ممکن نیست. گرچه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمود انبیا آمدند اثاره کردند، مردم را شوراندند، انقلاب فرهنگی ایجاد کردند؛ اما میدان‌دار انقلاب و محور انقلاب را هم معرفی کرد فرمود: «مُسْتَنَارِ الْعِلْمِ». مستنار هم اسم مکان است؛ یعنی جای انقلاب و اثاره و ثوره جای شورش یعنی میدان‌دار انقلاب علی و اولاد علی

**زنده‌کننده‌های دین شرایطی دارند و اوصافی دارند؛ اولین شرط این است که هر تهمتی را بپذیرند، هر ملامتی را تحمل بکنند و در راه خدا ملامت‌زده نشوند و ملامت‌زده هم نباشند. قهر کردن کار مردان حق نیست.**

است. چه اینکه در انقلاب اسلامی دیدید میدان انقلاب حسینه بود و مسجد مرکز قرآن و عترت مهد انقلاب است و هر جا که انقلاب است، از اینجا نشأت می‌گیرد و دیگر هیچ.

### هنر انقلاب، شوق شهادت است

مبادا کسی خدای ناکرده بگوید غرب پیشرفت کرد. غرب اگر بر کره مریخ هم بنشیند، درنده‌ای است در کره مریخ. اگر بازده نظم نوین جهان فلسطین اشغالی و تجزیه یمن و بوسنی هرزگوین و تحریک افغان است، این صنعت برای همان غرب و اگر محصولش همین نه گفتن به ابرقدرت شرق و غرب است، برای همین ایران اسلامی. این هنر انقلاب است. این هنر مردان حزب‌اللهی است. اگر به این نیرو بها بدهند، دیگران هم بکنند آنچه که مسیحا می‌کرد. این کار را کرده‌اند. این مهندسين ما، این پزشکان ما، این دانشمندان دانشگاهی ما، مانند علمای حوزوی ما، در خط مقدم این انقلاب بودند. هستند. شما عزیزان مخصوصاً بسیجیان و حزب‌اللهی‌های گرانقدر هم که پیروی رهبری اینها را پذیرفته‌اید، اینها به برکت کربلا پیدا شد؛ یعنی هیچ کسی شوق شهادت در سرش نباشد، ممکن نیست این چنین فداکاری کند، به عمق دریا برود و این چاه‌ها را مهار کند. فقط به عشق شهادت و این عشق را از معلم عشق‌آموز کربلا آموختند. خب این سرمایه را ما در شب عاشورا و روز عاشورا چرا تکریم نکنیم؟



## امام عاشقان از درس عشق کربلا حرفی آموخت

هنر سلسله جنبان عاشقان انقلاب اسلامی، امام راحل (قدس سره) این بود که از درس عشق کربلا حرفی آموخت و مشتاقان این مرز و بوم را با همان درس آشنا نمود. همان یک حرف از آن درس بود که به ایران اسلامی آن توانایی و قدرت را داد که توانست یک تنه در برابر تمام بیگانگان بایستد و نه تنها رژیم دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی را که یکی از سنگ اندازان نهضت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بود به آتش خشم و قهر الهی گرفتار کند، بلکه توانست از دام صدام تکریت که از جمله صدها دام استکبار بود، نجات پیدا کند. هر انسان مطلع و باخبر از حوادث و جریانات جنگ، خواه مسئول، خواه غیرمسئول تصدیق می کند که گرداننده اصلی و محرک و مشوق محوری ایران اسلامی در جنگ نابرابر با استکبار جهانی، که حزب بعث عامل بی اراده آنان بود، عشق حسینی و شور عاشورایی بود. نامگذاری تیپ‌ها، لشکرها، گردان‌ها و عملیات‌ها به اسم امام حسین (علیه السلام)، فرزندان و اصحاب او یا به اسم کربلا، عاشورا، محرم، تاسوعا؛ شاهدهی کوچک بر این مدعاست.

### مکتب عاشورا؛ نه ستمگر، نه ستم‌پذیر

اگر ما بدانیم بعد از مرگ چه خبر است و حسین چه کرد، آن‌گاه می‌فهمیم که چرا باید در مراسم سوگ او عاجزانه و خاضعانه عرض ارادت کنیم. دنیایی که این مکتب را ندارد، همه چیز را دارد و محصولش جز درندگی چیز دیگر نیست و ایران اسلامی گرچه آن صنعت‌های پیشرفت شده را ندارد، اما این مکتب را دارد و یک سر و گردن از دنیای کنونی بلندتر است؛ زیرا هم به ابرقدرت شرق و غرب آن روز گفت نه، هم به ابرقدرت نظم نوین جهانی امروز می‌گوید نه و نه آن روزی که اهل قدرت بود از قدرت مرکزی نظام سوء استفاده کرد، نه سلطه‌پذیر است، نه سلطه‌گر. الان ایران به عنوان یک قدرت جهانی مطرح است. آنها درباره این مکتب دارند می‌اندیشند که چطور هشت سال جنگ را به وسیله همین همسایه درنده بر ایران تحمیل کردند و از هر سویی او را کمک کردند و نشد. من خودم از نزدیک به زیارت این قبور رفتم. دیدم یازده شهید از یک خانواده. این‌ها نه برای گاز و نفت فدا شدند، نه برای آب و خاک. این‌ها

فقط برای قرآن و عترت به لقای حسینی و سالار شهیدان عشق ورزیدند. همه این خانواده فدای دین شدند. بعد از پذیرش قطعنامه، جنگ خلیج فارس شروع شد. همه شیوخ خلیج نشین درگیر بودند. تنها منطقه آرام در خلیج فارس ایران بود. حتی پیشنهاد هم دادند، پیام هم دادند، از ایران خواستند که ما از طرف غرب عراق را سرکوب کردیم شما هم بیاید از سوی شرق عراق را سرکوب کنید. ایران گفت نه! من اگر می‌جنگم برای رضای خدا و اگر صلح می‌کنم برای رضای خدا. جنگ خلیج فارس، جنگ نفت است. متحدین اروپا جنگ نفت به راه انداخته‌اند. ایران روزی که مظلوم بود، ستم‌پذیر نبود؛ روزی که مقتدر شد، ستم نکرد؛ لذا برای جهان تثبیت شد که ایران روی مکتب حرکت می‌کند و این مکتب هم از سالار شهیدان گرفته شد. پس ما باید بکشیم این هنر بندگی خدا را روزافزون کنیم. از یک سو، به زیر آوریم چرخ نیلوفری را، از سوی دیگر تا اگر خدای ناکرده بیگانه حمله کرد، سرنوشت ایران اسلامی سرنوشت بوسنی و هرزگوین نشود و گر نه این سوگ و

**هر انسان مطلع و باخبر از حوادث و جریانات جنگ، خواه مسئول، خواه غیرمسئول تصدیق می‌کند که گرداننده اصلی و محرک و مشوق محوری ایران اسلامی در جنگ نابرابر با استکبار جهانی، که حزب بعث عامل بی اراده آنان بود، عشق حسینی و شور عاشورایی بود.**

ماتم برای آنها سودی ندارد.

### اشک سلاح ماست، در راه دوست نثار کنیم، خلع سلاح نشویم

آن اشکی که دشمن را تشجیع می‌کند، نریزید. این سرمایه شماست. این سرمایه را به پای دوست بریزید. آن کسی که در راه صحیح ننالید، بالأخره این چشم می‌نالد. روزی روزگار او را می‌گریاند. این دستور رسمی دین است. اگر قدرتی داشتید و از شما کار صحیح خواستند، حاجت مشروعی به شما پیشنهاد دادند، شما آن کار صحیح و حاجت مشروع را بر آورده نکردید، با اینکه قدرت داشتید؛ مبتلا می‌شوید که این قدرت را در راهی صرف بکنید که بی‌اجرید. این اشک سرمایه ماست، اسلحه ماست. خب چه بهتر که این را جهاد اکبر در



إن الدعی ابن الدعی قد ركز بین اثنتین بین السلّة و الذلّة و هیات منا الذلّة یأبی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون» این اشاره است به آن حدیث نورانی رسول خدا که فرمود ما نه تنها زیر بار ظلم نمی‌رویم و ظالم را تأیید نمی‌کنیم با سکوت، اگر کسی صدای «یا للمسلمین» را بشنود و اهتمام نرزد به نجات او، از ما نیست. ما ایا داریم از اینکه مسلمانی تحت ذلت باشد.

قرآن کریم از زبان همان کسانی که به رهبری داوود به مقصد رسیدند، نقل می‌کند که «وَمَا لَنَا أَلْتَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا» این هم به طور عاقلانه و عالمانه به مردم منتقل شود تا همه وظایف شرعی خودشان را بدانند.

### معرفت‌افزایی در فرصت حج

جریان "یا نَارُ کونی بَرْدًا و سَلَامًا" باید در بعثه‌ها حضور داشته باشد که شامل معارف عقلی و بیان معجزات است. بیان این که فرق معجزه با علوم غریبه چیست؟ معارف تفسیری باید مطرح بشود که بالأخره این راه‌های حضرت خلیل در مراسم حج خودش را نشان بدهد.

حج برای عزت اسلام و مسلمین است و چون حج برای عزت اسلام و مسلمین است، ائمه علیهم السلام مخصوصاً وجود مبارک امام صادق علیه السلام در مطلق مسافرت‌ها بالأخص

**همه ما در مقابل ستمی که به مسلمان‌ها مخصوصاً به فلسطین و امثال فلسطین به مدت پنجاه شصت سال صورت گرفته است، مسئول هستیم.**

مسافرت‌های معنوی دستور می‌دهند که شما با شکوه و جلال و عزت حرکت کنید، انسان نباید کاری کند که به عزت او آسیب برسد و نباید کاری کند که به عزت دیگران آسیب برسد یا برساند.

### بیداری اسلامی خاورمیانه به برکت حج

بخش مهم دیگر در حج مبارزات آن است. شاید در موسم حج جا برای شمشیر، تبر، تیر و امثال آن نیست، اما این "یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا" که در برائت از مشرکین است، آن دعاهایی که در دعای کمیل می‌خوانیم و آن راهپیمایی‌هایی که در مکه با «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر آمریکا» وجود دارد، همان تبری است. برکات

کنار شب زنده‌داری در کنار نماز شب بریزیم؛ چرا برای هر چیز بریزیم، لذا گفتند در دارالاماره گریه نکنید، در شام گریه نکنید، در حضور دشمنان گریه نکنید، تنها که شدید با خدا زمزمه کنید و بنالید. آن اشک عبادت است. اسلحه را به دست دیگران ندهید، خودتان را خلع سلاح نکنید. دو اشک را قرآن هدایت کرد: اشک عارفانه برای درک معارف دین، اشک عاشقانه برای اعزام به جبهه. خب یک سرمایه است. این سرمایه را انسان در پای دوست بریزد، چرا در کف دشمن بریزد. این سرمایه را در راه حسین بن علی ریختن، به پای دوست نثار کردن است.

### بیداری اسلامی از سرزمین شهیدان ایران گسترش یافت

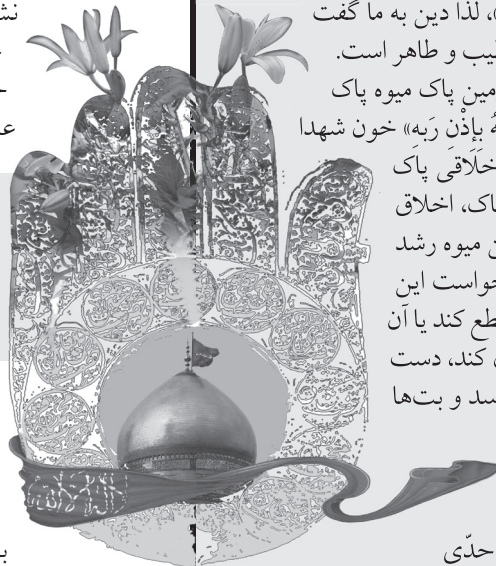
بیداری اسلامی که اکنون در خاورمیانه موج انداخته است، به برکت رهپویی ابراهیم علیه السلام است. این بیداری در ابتدا از ایران اسلامی شروع شد، سپس به جهان منتشر شد.

در فرهنگ ما چنین آمده است که در پیشگاه شهدا عرض ادب کنیم و به ارواح آنها که همچنان زنده‌اند، خطاب کرده و بگوییم: «طِبْتُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ»، لذا دین به ما گفت کشوری که شهید بیاورد، کشور طیب و طاهر است. در قرآن چنین می‌خوانیم که سرزمین پاک میوه پاک می‌دهد: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» خون شهدا زمینه زندگی مردم را از آلودگی اخلاقی پاک می‌کند. در زمین پاک، افکار پاک، اخلاق پاک و اعمال پاک به عنوان بهترین میوه رشد می‌کند. از این به بعد اگر کسی خواست این درخت‌های طیب خوش میوه را قطع کند یا آن مساجد و مراکز مذهب را ویران کند، دست فرزندان ابراهیم خلیل به تبر می‌رسد و بت‌ها را درهم می‌شکنند.

### خاورمیانه را شکوفا کنید

هر کدام از آقایان در بعثه‌ها در هر حدی که هستند باید خاورمیانه را شکوفا کنند. البته آن عنصر محوری سیاست در اختیار بعثه رهبر معظم انقلاب است، اما بیدار کردن، تبلیغ کردن و آگاه کردن در اختیار همه است. همه ما در مقابل ستمی که به مسلمان‌ها مخصوصاً به فلسطین و امثال فلسطین به مدت پنجاه شصت سال صورت گرفته است، مسئول هستیم.

این بیان نورانی حضرت سیدالشهداء علیه السلام که فرمود: «ألا و







**قلم‌دانمندان اسلامی تبر ابراهیم خلیل است، بت‌های غربی و شرقی که افکار الحادی آنها است در بتکده‌های خاص آنها تعبیه شدند، قلم‌های عالمان دین تبر های ابراهیمی است که بت‌های جاهلیت الحاد و شرک را در هم می‌کوبد.**

خدای سبحان از حنجره مظلومان به در آورد و به گوش فراغنه رساند و آن‌ها را از تخت عزت به تخت ذلت نشاند و کوه‌نشینان مستضعف را بر کاخ نشینان مستکبر پیروز گرداند.

**دشمن بیدار است؛ مصریان را خواب نبرد**

تنها مصر اسیر نبود، بلکه حج و نماز اسیر دشمن بود. حسنی مبارک، دین را اسیر خود کرده بود. امیر المؤمنین علیهم السلام، به اهل مصر که حکومت آن در دست مالک اشتر بود، توجه ویژه داشتند. حضرت در نامه خود فرمودند «هر کس در مقابل دشمن بخوابد، بداند که دشمن او نخواهد خوابید». مواظب باشید که خواب شما را فرا نگیرد. مردم مصر در مقابل رنج‌ها و مجاهدت‌های انقلابیون مصری مسئول هستند. شهدای راه آزادی، خون خود را برای اسلام و قرآن دادند، نباید از اسراء و تبعیدشدگان حکومت سابق مصر غافل شد. حضرت اباعبدالله علیه السلام در حدیثی فرمودند: «اگر اسلام دست امثال ظالم سپرده شود، باید فاتحه آن را بخوانیم».

**بیداری برای وحدت، وحدت برای بیداری**

بسیاری از مشکلات و معضلات امروز جامعه، دور شدن مردم از معنویات و بی‌توجهی به آموزه‌های دینی است. روشنگری، هدایت مردم به سمت رشد و تعالی و تبیین معارف الهی در سطح جامعه، از وظایف خطیر حوزه‌های علمیه و طلاب علوم دینی

این‌گونه از راهپیمایی‌ها، ادعیه، مناجات و تبلیغات کم نیست، بلکه می‌توان گفت بیداری اسلامی خاورمیانه به برکت همین حج است؛ زیرا در مراسم حج است که مسلمین یکدیگر را می‌بینند، شعارهای یکدیگر را می‌شنوند، تبادل نظر دارند و گروه افراد عادی از کشورهای دیگر خبری ندارند.

برائت از مشرکین، اجرای دعای کمیل و مانند آن که در حرمین شریفین برگزار می‌شود، سهم تعیین‌کننده‌ای در بیداری مسلمین دارد، شعار "الموت لأمريكا و اسرئیل" را یمنی‌ها، تونسی‌ها و مصری‌ها از مسلمان‌های ایران در مکه شنیدند.

ممکن است که تلویزیون مقداری از این برائت‌ها را نقل کرده باشد، ولی مسلمانان کشورهای اسلامی رسانه‌ای که بتوانند این تظاهرات ایران را ببینند ندارند و لذا حرکت آن‌ها متأثر از همان وحدت اسلامی است.

**بت‌های غرب را با قلم ابراهیمی بشکنید**

امروز سخن از تبر و شمشیر نیست، سخن از بنان و بیان است، سخن از قلم، نوشتن و نوشتار است. قلم‌دانمندان اسلامی تبر ابراهیم خلیل است، بت‌های غربی و شرقی که افکار الحادی آنها است در بتکده‌های خاص آنها تعبیه شدند، قلم‌های عالمان دین تبرهای ابراهیمی است که بت‌های جاهلیت الحاد و شرک را در هم می‌کوبد و خدای سبحان به ما وعده داد در هر فضیلتی، از راه غیر ده برابر پاداش می‌گیرید.

اینکه می‌بینیم با همه اسلام‌هراسی‌های بیگانگان از مصر تا بحرین، از تونس تا یمن همه جا سخن از خدا و قرآن است، این صدا را



است. هفته وحدت؛ فرصتی مناسب برای بازگو کردن معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و آشنا کردن مردم با مبانی خلافت و امامت است. همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی باید بدانند که دشمن اصلی آنها آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند. علما و اندیشمندان شیعه و سنی باید با چنگ اندازی بر ریسمان وحدت الهی و محوریت قرآن و عترت، نقشه‌های شوم دشمنان در تفرقه‌افکنی بین مسلمانان را خنثی کنند. دولت‌های اسلام باید در برابر دشمنان، موضع یکپارچه اتخاذ کنند تا بدین وسیله بسیاری از مشکلات جهان اسلام مرتفع شود.



گفتنی است آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در سال ۱۳۶۷ شمسی، پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به رهبر اتحاد جماهیر شوروی را در رأس هیئتی به وی ابلاغ کردند. با توجه به محتوای علمی و فلسفی این پیام، شخصیتی چون آیت‌الله جوادی آملی باید برای این کار انتخاب می‌شدند که هم نمادی از روحانیت نظام و هم پاسخگوی پرسش‌های احتمالی باشند.

مرور پیام آن روز حضرت روح‌الله که شکوفه‌های بیداری اسلامی در سرزمین الحاد را نشان می‌دهد و میوه‌های بیداری جهان اسلام را نوید می‌دهد، بسیار شیرین خواهد بود؛ اما این جا تنها چند جمله از آن پیام را می‌خوانیم:

«جناب آقای گورباچف! باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به

ابتدال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است... آقای گورباچف! وقتی از گلدسته‌های مساجد بعضی از جمهوری‌های شما پس از هفتاد سال بانگ «الله‌اکبر» و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت - صلی‌الله علیه و آله و سلم - به گوش رسید، تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی (ص) را از شوق به گریه انداخت. لذا لازم دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان‌بینی مادی و الهی بیندیشید... انسان در فطرت خود هر کمالی را به طور مطلق می‌خواهد و شما خوب می‌دانید که انسان می‌خواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است، دل نبسته است... انسان می‌خواهد به «حق مطلق» برسد تا فانی در خدا شود. اگر جنابعالی میل داشته باشید در این زمینه‌ها تحقیق کنید، می‌توانید دستور دهید که صاحبان این گونه

**ایران روزی که مظلوم بود، ستم‌پذیر نبود؛ روزی که مقتدر شد، ستم نکرد؛ لذا برای جهان تثبیت شد که ایران روی مکتب حرکت می‌کند و این مکتب هم از سالار شهیدان گرفته شد.**

علوم علاوه بر کتب فلاسفه غرب در این زمینه، به نوشته‌های فارابی و بوعلی سینا - رحمت‌الله علیهما - در حکمت مشاء مراجعه کنند، ... و نیز به کتاب‌های سهروردی - رحمت‌الله علیه - در حکمت اشراق مراجعه نموده و برای جنابعالی شرح کنند... از اساتید بزرگ بخواهید تا به حکمت متعالیه صدرالمتألهین - رضوان‌الله تعالی علیه و حشره‌الله مع‌النبیین و الصالحین - مراجعه نمایند... از کتب عرفا و بخصوص محی‌الدین ابن‌عربی نام نمی‌برم؛ که اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد مطلع گردید، تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در این گونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریکتر از موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد... جناب آقای گورباچف! اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید. و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلام است که می‌تواند وسیله راحتی و نجات همه ملت‌ها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت را باز نماید.»